



Analysis of Addiction from The Perspective of Citizenship Rights with A View to The Principles and Rules of Fair Trial

Ahmad Reza Vanaki^{*1}, Mansoureh Hosseini²

1. Instructor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Instructor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 63-73

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-2872-1753

TELL: +989132813139

Email:

Ahamadrezavanaki@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 15 Oct 2021

Revised: 01 Jan 2022

Accepted: 10 Jan 2022

Published online: 20 Feb 2022

Keywords:

Citizenship Rights, Fair Trial, Addiction.

ABSTRACT

Although all citizens are considered equal in terms of criminal law, progressive criminal policies, due to vulnerability, draw up substantive and substantive differential measures. Prediction of the rules concerning differential juvenile and juvenile prosecution is one such example. Drug-addicts, who are among the notorious strata in a society, will face serious challenges in terms of the specific physical and mental condition they suffer from, in the face of police and judicial authorities, in the absence of differential criminal policies. In a normal situation, and in the case of ordinary citizens, the right to be informed and disclosed, the right to remain silent, the right to have a lawyer, and so on are among the rights of defense and citizenship. But when we are faced with an addicted defendant in a hangover state, the expectation of the defendant's attention to their defense rights and their use does not seem to be a proper expectation with regard to the mental, physical and social realities of such persons. Foreseeing the necessity of starting an investigation with the presence of a lawyer, medical examination, the withdrawal of the addicted defendant from a hangover by prescribing the necessary medications and other guarantees of due process will be properly respected.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Vanaki, AR & Hosseini, M (2022). "Analysis of Addiction from The Perspective of Citizenship Rights with A View to The Principles and Rules of Fair Trial" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 63-73.



مقدمه

اگرچه همه شهروندان در قبال قوانین کیفری در حالت مساوی فرض می‌شوند، اما سیاست‌های جنایی در حال پیشرفت با لحاظ اهداف عالیه حقوق کیفری در قبال برخی اقشار اجتماعی با لحاظ میزان آسیب‌پذیری، تدابیری افتراقی چه در قواعد شکلی دادرسی و چه در قوانین ماهوی را ترسیم می‌نمایند. رعایت حقوق شهروندی در خصوص تمامی متهمان و به‌طور ویژه افراد دارای آسیب‌پذیری بیشتر مانند معتادان ضرورت دارد.

۱- مفاهیم بنیادین

۱-۱- شهروندی

شهروندی وضعیتی است حقوقی که پیرو استقرار نظم سیاسی بر یک جامعه ایجاد می‌شود. با وصف موجود هیچ شخصی، شهروند به دنیا نمی‌آید؛ بلکه شهروندی حقی است اعتباری که در جامعه به شخص اعطا می‌گردد. بدین‌روی موروثی دانستن شهروندان چندان صحیح به نظر نمی‌رسد؛ همان‌طور که موروثی یا نژادی بودن یا محرومیت اشخاص به‌لحاظ هرگونه نقیصه‌ای هم درست نخواهد بود. در این نظرگاه شهر هم چیزی به جز زیست جمعی و هدفمند جمعی از انبای بشر نیست. از این جهت، می‌توان چنین ادعا کرد که شهروندی دارای ساحت‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اقتصادی و بالطبع حقوقی است که شهروند فارق از سهم خود در اجتماع، تنها به‌لحاظ خدمت و وفاداری به آرمان‌های مشترک اجتماعی از کلیت آن برخوردار می‌باشد. افراد تشکیل دهنده یک جامعه به‌عنوان شهروند به‌دلیل قرارداد اجتماعی که در عمل برخی از حقوق فردی آنان را محدود می‌نماید، متعهد می‌شوند تا شهروندی متعهد به آرمان‌های مشترک جامعه پیرامونی باشند. گام برداشتن در مسیر نقض قوانین جامعه باعث تضعیف حق سایر شهروندان می‌شود. (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۶: ۱۹) جهت حفظ امنیت اجتماعی دولتمردان و هیأت حاکمه بر مبنای قانون اساسی و قوانین عادی دارای اختیارات قانونی خود می‌باشند. فرهیختگان و سیاست‌گذاران و قضات که متولی پاسداشت امنیت یک اجتماع به حساب می‌آیند و هدف سعادت‌مندی یک جامعه را

دنبال می‌کنند در این مسیر مطابق اصول نمی‌توانند جانب احتیاط را از دست بدهند و از عدالت و انصاف فاصله بگیرند. در دیدگاه لیبرالی، حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است که با هم دارای ملازمه می‌باشند. شهروند در عین حال که در قبال جامعه دارای وظایف می‌باشد، از حقوقی نیز برخوردار است (مرادی، ۱۳۹۸: ۹۵) که سیاست‌گذاران می‌بایست در امر سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان این مهم را مطمئن نظر قرار دهند تا عدالت و انصاف به‌عنوان اصلی زیر بنایی جهت حصول حقوق شهروندی به کمال حاصل آید.

۲-۱- اعتیاد

اعتیاد در معانی خو کردن و خود را وقف عادت زشت کردن آمده است. در پزشکی نوین در عوض واژه اعتیاد، وابستگی دارویی مورد استفاده قرار گرفته که اگرچه دارای همان مفهوم است، اما دقیق‌تر و صحیح‌تر محسوب می‌گردد. از نقطه نظر آسیب‌شناختی، هر دارویی که پس از مصرف، چنان دگرگونی در انسان ایجاد کند که از نقطه نظر اجتماعی قابل پذیرش نباشد و موجبات واکنش منفی اجتماعی را فراهم آورد، آن دارو مخدر است و مصرف‌کنندگان چنین موادی را معتاد می‌گویند. در واقع معتاد کسی است که پیرو استعمال درازمدت دارو در بدن وی، حالت مقاومت اکتسابی حاصل آمده به‌گونه‌ای که استعمال به عادت آن، منجر به کاهش اثرات آن شده است. بدین‌روی شخص می‌تواند مقادیر بیشتری از دارو را بدون احساس ناراحتی مورد استفاده و مصرف قرار دهد و چنانچه دارو به وی نرسد، اختلالات روانی و فیزیکی که معروف به سندرم محرومیت هستند در وی ایجاد می‌شود. اعتیاد مجموعه پدیده‌های فیزیولوژیک، رفتاری و شناختی با شدت متفاوت که پیرو استعمال آن ماده یا مواد روان‌کنشی بالاترین اولویت را به خود اختصاص می‌دهند و ویژگی‌های برون دادی آن شامل، پریشانی حواس به همراه میل به حصول و استعمال مواد مخدر و جستجوگری مداوم مواد مخدر می‌باشد. نتایج تعیین کننده و دشواری آخرین وابستگی‌ها به ماده مخدر می‌تواند زیست شناختی، فیزیولوژیک یا اجتماعی باشد و به‌طور معمول این نتایج

دارای اثر متقابل است. معتاد موجودی بیمار و مبتلا به عوامل یاد شده می‌باشد (ماهیار و نوحی، ۱۳۸۷: ۲۱).

۱-۳- دادرسی عادلانه

پیرامون عدالت که مفهومی کلی است می‌توان چنین ادعا نمود که از جمله مفاهیم سهل و ممتنع به‌شمار می‌رود. اگرچه پیشینه تمدنی بشر همیشه با گفتمان عدالت در موضوعات مختلف عجین بوده است، اما همواره تشخیص و به‌منصه‌ظهور رسیدن آن از جمله دشواری‌های زندگی جمعی نوع بشر بوده است. این واژه ریشه در حقیقت هستی دارد و صرفاً مفهومی اعتباری و ساخته و پرداخته اذهان آدمیان محسوب نمی‌شود. دادرسی عادلانه، رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی پیرامون موضوعات مدنی و کیفری بین اصحاب دعوی چه در امور حکمی و چه در امور موضوعی، در محکمه صالح، مستقل، بی‌طرف و غیر ذینفع، با تضمین و رعایت حقوق قانونی اصحاب دعوا در جریان رسیدگی می‌باشد. به دیگر سخن، دادرسی عادلانه، رعایت عدالت شکلی در قضاوت است. رعایت عدالت جهت نیل بر برون دادی است که موجب تحقق قضاوتی عادلانه، منصفانه و بی‌طرفانه می‌گردد. چنین قضاوتی زمانی قابل حصول است که به هرکدام از اصحاب دعوی ملزومات مورد نیاز را اعطا نماید. جهت نیل به یک موازنه عادلانه در دادرسی ماهوی استلزام رعایت موازنه شکلی در فرآیند دادرسی امری مبرهن می‌باشد. ابزار و امکانات عادلانه به‌منظور اثبات اتهام و یا رفع و دفع اتهام می‌بایست به‌نحو قابل قبول و به شکل برابر در اختیار اصحاب دعوی قرار گیرد. سیستم دادرسی عادلانه، طرح‌ریزی شده تا به متهم حقوقی اعطا کند که در سایه آن حقوق امکان محکومیت نا صحیح به حداقل‌های ممکن برسد و نه آن که مجرمی علی‌رغم ارتکاب جرم برائتی ناصواب حاصل کند. بر این مبنا، وقتی از دادرسی عادلانه گفتگو می‌کنیم، منظور رسیدگی است که با کاربست مکانیزم‌های مناسب امر تحقیق، مطابق با استانداردهای معتبر حقوقی و رعایت تشریفات قانونی مورد نیاز صورت پذیرد. با این وصف در مبحث دادرسی عادلانه سخن در مورد این مکانیزم‌ها، اصول و روش‌هایی است که مبانی یک دادرسی کیفری پیشرفته به

آن ارج نهاده و مورد تأیید قرار داده است (فضائی، ۱۳۹۲: ۶۰).

۲- لزوم دادرسی عادلانه برای نیل بر اهداف حقوق کیفری و

مبانی جرم‌شناختی

متهم باید در کمال آزادی و امنیت و آرامش خاطر و بدون داشتن دست بند و یا در معرض تهدید و اخافه در حضور مقام قضایی حضور یافته و مورد بازجویی و تحقیق قرار گیرد (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۰۸). انجام تحقیقات پیرو شکنجه و ارباب ناشی از بازگشت به محیط سابق برای ادامه وضعیت دهشتناک یا رنج بردن از یک بیماری جسمی روانی که از حیث آثار به‌مثابه شکنجه می‌باشد. بی‌شک نتایج مقرون بر واقعی در تحقیقات به‌دنبال نخواهد داشت. بی‌شک در نظر داشتن رسالت حقوق کیفری موجبات برخورد هرچه بیشتر بی‌طرفانه مقامات تحقیق و رسیدگی را به‌دنبال خواهد داشت. در نظر داشتن این مهم که حقوق کیفری در حال حاضر به‌دنبال این نیست که به هر قیمتی موضوع بزهکارانه حادث را به شخصی هرچند بی‌گناه انتساب دهد، تا از پس آمارگرایی و احساس امنیت شهروندان برآید، بلکه مهم کشف حقیقی ظرفیت‌های بزهکارانه و تلاش برای اصلاح حالت‌های خطرناکی در ابعاد شخصیتی و حتی ناتوان سازی برخی ظرفیت‌های خطرناک برای اجتماع پیرامونی می‌باشد.

در آیین دادرسی کیفری دو هدف عمده همیشه مطمح نظر قرار می‌گیرد. تأمین منافع اجتماعی اولین هدف آیین دادرسی کیفری است چه این که با ارتکاب جرم توسط بزهکار، امنیت عمومی دچار چالش و اختلال می‌گردد و از این رو دادستانی بر مبنای قوانین تدوین یافته به‌دنبال اعاده نظم از بین رفته می‌باشد. از این رو یکی از وظایف دادسرا رسیدگی به جنبه عمومی و حیثیت عمومی جرایم می‌باشد. اما نباید فراموش کرد که شهروند در مقابل نمایندگان پر قدرت اجتماع شخصاً ضعیف می‌باشد و چنانچه تضمینات قانونی برای تعدیل قدرت تدارک دیده نشود، حقوق کیفری در اهداف خود عقیم خواهد ماند. از این رو هدف دیگر آیین دادرسی کیفری حفظ حقوق و آزادی‌های افراد است (الهی‌منش و رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۹).

سیاست‌های کلان قضایی برشمرده شده است. اما در وضعیت‌های مشخص و خاص به‌علت خصوصیات و ویژگی‌هایی که در ابعاد شخصیتی متهمان و یا بزه‌کاران وجود دارد، چنین اقتضا می‌نماید که مقررات دادرسی کیفری به‌صورت متفاوت پیش‌بینی و اعمال گردد تا شاهد ارتقاء سطح آن و نیل بر یک دادرسی عادلانه باشیم (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۰).

متهمان و بزه‌کاران معتاد اگرچه ممکن است در مضان اتهام قرار گرفته باشند و یا بزه‌کاری آن‌ها در نهایت به اثبات برسد، اما آنچه محرز و مسلم می‌باشد این است که این افراد تحت تأثیر عوارض شدید منجر به بیماری ناشی از اعتیاد می‌باشند. آسیب‌هایی که نه‌تنها موجبات اختلال فیزیولوژیکی را فراهم آورده بلکه از نقطه نظر روان‌شناختی نیز آسیب‌های مؤثر خود را به‌جا گذاشته است. معمولاً به‌لحاظ روحیه لطیف و آسیب‌پذیر اطفال و نوجوانان سعی بر تهیه و تنظیم سیاست‌های جنایی افتراقی می‌شود که البته این سیاست‌ها جنبه حمایتی دارند. پیرامون متهمان و بزه‌کاران معتاد شاید بحث‌های حمایتی در اولویت‌های بعدی قرار داشته باشد اما آنچه می‌تواند مبنای یک سیاست جنایی افتراقی قرار گیرد، لزوم توجه به سطح کیفی قواعد دادرسی عادلانه در مواجهه با این اشخاص می‌باشد. فراموش نکنیم هدف از دادرسی‌های کیفری کشف ظرفیت‌های واقعی بزه‌کارانه‌ای است که خود را در قالب ارتکاب یک یا چند جرم به‌منصه‌ظهور رسانده‌اند. عدم کاربست یک سیاست جنایی افتراقی پیرامون متهمان و بزه‌کاران معتاد در سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی مانع از حصول نتایجی است که برای نیل به آن‌ها مالیات‌ها را بر مالیات دهندگان تحمیل می‌کنیم.

۴- تضمینات دادرسی عادلانه متهمان معتاد

بنابر تعریف سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۶۹ پیرامون واژه اعتیاد، تغییر و تحول ویژگی‌ها و عملکرد موجود زنده در نتیجه استفاده از هر نوع مواد را اعتیاد می‌گویند (اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۶۸). تغییر و تحول در ویژگی‌های رفتاری و البته متعارف نبودن واکنش‌ها یکی از مهم‌ترین عواملی است که زمینه ساز تفکر برای ترسیم یک دادرسی افتراقی نسبت

مطابق ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه‌بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد». اصولاً قانون به خودی خود قابل اجرا و بهتر بگوییم لازم‌الاجرا است اما آنچه باعث تأکید بیشتر قانون‌گذار بر لزوم رعایت حقوق شهروندی شده، اهمیت موضوع و لزوم اعمال حساسیت بیشتر در این امور می‌باشد. آنچه مسلم است قانون‌گذار برای تضمین حقوق شهروندی و دادرسی عادلانه متهمان در مسیر تحقیقات و رسیدگی تضمینات لازم را چه به‌صورت عام و برای عموم شهروندان و چه به‌صورت خاص برای مواردی که رسیدگی افتراقی لازم بوده اندیشیده است. اما معتادان به‌لحاظ آسیب‌های بیولوژیک و رنج جسمانی و هم چنین اختلالات روانی متأثر از خماری گروهی از اشخاص هستند که درصورت نادیده انگاشتن اهداف حقوق کیفری، داده‌های جرم‌شناسی و لزوم افتراقی‌سازی در این مسیر آسیب جدی خواهند دید.

۳- لزوم افتراقی‌سازی دادرسی کیفری متهمان معتاد

افتراقی‌سازی قواعد و تشریفات دادرسی، با توجه به نوع ساختارهای دادرسی متفاوت و نوع نظام حاکم بر یک کشور درون‌مایه‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. در یک نظام سیاسی امنیت‌گرا، منظور از افتراقی‌سازی حرکت در مسیر امنیت‌گرایی در بالاترین حد ممکن می‌باشد و تمرکز صرفاً معطوف بر امنیت کشور و حفظ نظام موجود است. اما در یک نظام سیاسی آزاد اندیش، منظور از افتراقی‌سازی قواعد دادرسی، گاه در جهت حمایت از برخی افراد دارای شرایط خاص هم چون کودکان و برخی مواقع جهت حصول و ارتقاء سطح کیفی دادرسی‌ها اجرا می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۸۹). اصل بر این است که قواعد و تشریفات دادرسی درخصوص کلیه جرایم به‌صورت یکسان و مساوی اعمال شود. بر همین مبنا «یکسان‌سازی دادرسی‌های کیفری» به‌عنوان یکی از

آنچه مسلم است معمولاً شکنجه دارای عوامل بیرونی می‌باشد، اما بازجویی در حالت خماری در وضعیتی که شخص معتاد در حال تحمل درد و رنج شدید جسمانی است و در همین زمان با سؤالات متعدد و طاقت‌فرسا مواجه می‌گردد، مسأله‌ای است که در صورت عدم کنکاش، بررسی و لحاظ شدن در قوانین کل اهداف حقوق کیفری را به چالش می‌کشد (ونکی، ۱۴۰۰: ۲۸۲).

۴-۲- تصمیم‌گیری مخاطره‌آمیز افراد معتاد

مطالعات نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در مواجهه با اثرات زیان بار رفتارهای خود حساسیت کمتری نشان می‌دهند. این افراد توانایی پایین‌تری در به‌کارگیری بازخورد منفی اعمال خود برای برای رهنمون شدن به آینده خود دارند. در واقع افراد معتاد در سیستم پردازش خود دچار منقصت می‌شوند. برخی اشخاص مبتلا به مواد مخدر رفتارهای مشابهی مثل اشخاص با آسیب ناحیه میانی تحتانی قشر پیش‌پیشانی در زندگی روزمره از خود نشان می‌دهند. در این مفهوم که این افراد گزینش‌هایی که منافع فوری به‌دنبال دارند را انتخاب می‌کنند اگرچه این انتخاب نتایج منفی در آینده به همراه داشته باشد. اختلال در تصمیم‌گیری را می‌توان به‌عنوان یکی از زیربنایی‌ترین ساختارهای اساسی رفتارهای وسواسی، تکانشی اعتیاد به‌شمار آورد. افراد معتاد تمایل بیشتر به رفتارهای مخاطره‌پذیر از خود نشان می‌دهند و در ارزیابی سود و زیان با به تعویق انداختن خطر فعلی منفعت حاضر را انتخاب می‌کنند و نسبت به خطر آینده بی‌تفاوت عمل می‌نمایند (جاتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

همان‌طور که ملاحظه شد افراد معتاد در مواجهه با وضعیت‌های پرمخاطره جهت عبور از خطرات فعلی و گذر از وضعیت موجود توان تصمیم‌گیری منطقی را ندارند. تمام تمرکز این گونه اشخاص برای عبور از وضعیت فعلی است و خطرات آینده ناشی از واکنشی که داشته‌اند را در نظر نمی‌گیرند. متهم معتادی که در مرحله پلیسی یا دادسرا تحت بازجویی‌های شدید است، تنها به عبور از بازجویی، رهایی و نرسیدن به مرحله خماری می‌اندیشد و خطرات ناشی از اقرار غیر واقعی خود را نمی‌تواند به‌خوبی مطمح نظر قرار دهد.

به متهمان معتاد می‌گردد. معمولاً متهمان معتاد پس از ۲۴ ساعت تحت‌نظر بودن در حالت شدید خماری به‌سر می‌برند که عوارض خود را به‌دنبال دارد و بی‌شک استنتاج و بازجویی در چنین وضعیتی سلامت تحقیقات و در نهایت اهداف حقوق کیفری را در نتایج عقیم می‌نماید. تضمینات دادرسی عادلانه متهمان معتاد به شرح ذیل قابل بررسی است.

۴-۱- رعایت اصل منع شکنجه

شکنجه در معنای آزار جسمی یا روحی بر روی شخصی برای مجبور نمودن وی بر اقرار تعریف شده است. به‌خاطر اهمیت موضوع در سال ۱۹۸۴ کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون منع شکنجه و رفتار و مجازات ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده» از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. وفق ماده اول کنوانسیون واژه شکنجه^۱ به هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی با هدف به دست آوردن اطلاعات یا اخذ اقرار از وی یا شخص ثالث واقع گردد، اطلاق می‌شود. (مهرپور، ۱۳۹۲: ۷۹).

مطابق ماده ۹ «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» هرگونه شکنجه به متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت قانونی و شرعی نخواهد داشت. همچنین به موجب اصل ۳۸ «قانون اساسی» هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. در اصل ۳۸ قانون اساسی دو ضمانت اجرا لحاظ شده است: اول عدم اعتبار شهادت، اقرار یا سوگندی که با اعمال شکنجه و اجبار حاصل آمده و دوم، مجازات شخصی است که از مفاد این اصل سرپیچی می‌کند (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۷: ۹۲).

¹ - Torture

۳-۴- آثار خماری بر تحقیقات مقدماتی

اصولاً افراد معتاد در دو وضعیت به سر می‌برند: این اشخاص یا تحت تأثیر مصرف مواد سرکیف هستند یا به‌لحاظ عدم استعمال در خماری به سر می‌برند. آنچه در بالا ذکر شد وضعیت عادی این افراد بود که خود به‌تنهایی می‌تواند مشکلاتی را در امر تحقیقات به بار آورد و بی‌شک تنها کاردانی و تیزهوشی مقام قضایی می‌تواند وی را در جریان تحقیقات به اقرار موقوف بر واقع متهم معتاد برساند تا تضمینات یک دادرسی عادلانه در نظر گرفته شود. اما وضعیت پرخطر دیگر که سلامت یک دادرسی عادلانه را به‌شدت دچار چالش می‌کند، جایی است که متهم به‌لحاظ عدم مصرف مواد در مدت زمان تحت نظر بودن در مراکز انتظامی و سپس دادسرا وضعیت خماری را تحمل می‌کند و ناگزیر می‌بایست در این حالت به یک بازجویی تمام و کمال پاسخ‌گو باشد. استنطاق و بازجویی که گاهی ساعت‌ها به طول می‌انجامد و حتی از حوصله افراد عادی هم خارج است.

در وضعیت خماری، آثار اعتیاد بر روح و روان شخص معتاد در بالاترین حد خود قرار می‌گیرد. از دست دادن اراده، زودخشی و ناسازگاری، بدخلقی با اطرافیان، تزلزل شخصیت و از دست دادن اعتماد به نفس از جمله عوارض است (نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۲۰۲). احساس مبهم از زمان و مکان، افسردگی، اضطراب، ترس، عرق کردن، استفراغ، اسهال، دل درد و دردهای جسمانی از جمله دیگر آثار مترتب بر خماری به حساب می‌آید (زراعت، ۱۳۹۲: ۴۴).

بی‌گمان انجام تحقیقات از متهمی که در چنین وضعیت جسمی و روحی قرار دارد، رقم‌زننده یک دادرسی عادلانه نخواهد بود؛ ضمن‌اینکه بازجویی چنین شخصی با چنین حالتی بی‌شک می‌تواند از صور شکنجه به حساب آید؛ چه‌اینکه شخص معتاد در حالت خماری آن‌گونه که در بالا آمد، در حال تجربه سطح غیر قابل تحملی از دردها و رنج‌های جسمی و روانی است و بازجویی وقت‌گیر چنین شخصیتی در این وضع و حال مزید بر علت تلقی می‌گردد. متهم معتاد در چنین حالتی صرفاً به‌دنبال پذیرش اتهامات و رهایی از محیط مرجع انتظامی یا دادسرا برای گریز از

دردهای ناشی از خماری است و بی‌شک حالت‌های درونی و استنطاق بازجو به‌مثابه شکنجه و اقرار در وضعیت شکنجه اظهاراتی خلاف واقع و غیر قابل استناد می‌باشد.

در حقوق کیفری، پیرو یک دادرسی عادلانه به‌دنبال کشف ظرفیت‌های بزهکارانه و حالت‌های خطرناکی به‌منظور اصلاح و باز ادغام اجتماعی و یا در موارد مصادیق خطرناکی به‌دنبال طرد و ناتوان‌سازی هستیم. ایراد و انتساب اتهام به متهم به هر قیمتی ما را از مسیر خارج می‌کند و چه‌بسا شخصی بی‌گناه در وضعیتی نابهنجار اتهامات را بپذیرد و پیرو این امر نه تنها بزهکار واقعی کشف نشود بلکه بودجه دستگاه عدالت کیفری نیز در مسیر ناصحیح مصروف گردد.

در حقوق انگلستان مقام دادستانی در یک تأسیس زیبا و کارآمد با عنوان «حق اطلاع» مبادرت به در اختیار گذاشتن دلایل له متهم برای ایشان و وکیل وی می‌نماید. هدف از این تأسیس این است که متهم بر مبنای اصل براءت و با دلایل موجود چنانچه بی‌گناه باشد، توانایی رفع اتهام از خود را داشته باشد. هدف غافلگیری و ایراد و انتساب اتهام به هر قیمتی به یک شهروند نیست بلکه هدف کشف واقعی ظرفیت‌های تبهکارانه می‌باشد. دادسرا از امکانات گسترده تحقیق و بازجویی، ابزار قدرتمندی مانند پلیس و خدمات ویژه‌های مانند پزشکی قانونی برخوردار است و حال‌آنکه متهم دارای چنین قدرتی نیست. تضمین و تأمین یک دادرسی عادلانه و مساوی، مستلزم آن است که دادستان و متهم در شرایط مساوی با یکدیگر مواجهه داشته باشند (جزایری، ۱۳۹۶: ۲۵).

۴-۴- لزوم معاینه پزشکی، تشخیص اعتیاد، تمهیدات لازم

بنا بر ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود». اگرچه تخلف ضابطان در انتقال این درخواست به دادستان موجب محکومیت مندرج در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد و رعایت مفاد ماده در خصوص متهمی که به دستور مقام قضایی جلب شده است ضروری می‌باشد (خالقی، ۱۳۹۲:

۴-۶- حق بر تفهیم اتهام به همراه تشریح آن، با رعایت اصل تسریع در رسیدگی

تفهیم اتهام باید مقدم بر بازپرسی از متهم و پس از احراز هویت ایشان انجام شود و از جمله حقوق مهم متهم به شمار می‌رود. در حقوق ایران مطابق ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند» و وفق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را فراهم سازد و آن گاه شروع به پرسش می‌نماید...» (جزایری، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

در مواد مذکور هیچ اشاره‌ای بر تشریح اتهام به عمل نیامده است و این درحالی‌است که شهروندان عادی توان تشخیص و تمیز قالب‌های اتهامی مختلف را ندارند و چنانچه این تکلیف برای مقام قضایی در نظر گرفته نشود، امکان خلل در صحت تحقیقات دور از ذهن نمی‌باشد. اینکه ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس را مکلف به شروع تحقیقات بلافاصله پس از حضور یا جلب می‌نماید اما این شروع بلافاصله تعارض و تضادی با اقدامات پزشکی مورد نیاز برای متهمان معتاد ندارد.

یکی از معیارهای دادرسی عادلانه لزوم اجرای فوری عدالت می‌باشد؛ در این مفهوم و معنا که مرجع رسیدگی کننده موظف است دعوا را در سریع‌ترین زمان ممکن با حفظ کیفیت تحقیقات حل و فصل کند. بدین‌رو در اسناد بین‌المللی بر لزوم فوری بودن دادرسی‌های کیفری تأکید شده است. بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی چنین مقرر می‌نماید که: «هرکس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد، حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود». همچنین قسمت الف از بند ۳ ماده ۱۴ این میثاق درخصوص حقوق متهم عنوان می‌نماید: «در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود». اصل ۳۲ قانون

۶۲)، اما منوط بودن ارجاع امر به درخواست شخص تحت نظر و یا یکی از بستگان وی با امان نظر به رویه موجود منجر به حصول غرض قانون‌گذار نمی‌شود. در واقع، مراکز پلیسی می‌بایست از حضور تمام وقت پزشک استخدامی خود بهره‌مند باشند و کلیه افرادی که به هر دلیلی که احضار یا جلب می‌شوند مورد آزمایشات مرتبط با بحث تحقیقات قرار گیرند. بی‌گمان تسکین دارویی دردهای معتادی که از خماری رنج می‌برد به سلامت دادرسی و عادلانه طی شدن مسیر آن کمک شایانی می‌تواند داشته باشد. پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران جنایی - تقنینی ماده ۵۱ را این گونه اصلاح نمایند که کلیه اشخاصی که به مراجع پلیسی یا قضایی پیرو احضار یا جلب حضور می‌یابند، ابتدا می‌بایست توسط پزشک مستقر در مرجع قضایی یا پلیسی مورد معاینه قرار گیرند و در صورت تأیید سلامت کامل متهم به گونه‌ای که مانع از صحت دادرسی نباشد، تحقیقات شروع خواهد شد. چنانچه با تجویز دارو امکان حصول تعادل جسمی و روانی برای تحقیقات وجود داشته باشد، با تجویز پزشک درمان انجام خواهد شد.

۴-۵- حق تفهیم حق سکوت متهم در قبال اتهامات

از جمله حقوق متهم، حق بر سکوت است. وفق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود». این ماده اگرچه حق سکوت متهم را به رسمیت شمرده اما اشاره‌ای به لزوم تفهیم این حق به متهم و به خصوص متهمی که در حالت خماری وضعیت بغرنجی را از نقطه نظر جسمی و روحی پشت سر می‌گذارد ننموده است (فرهی، ۱۳۹۳: ۴۵). در واقع بازپرس می‌بایست ملزم بر تفهیم این حق به متهمان باشد و در صورت عدم تفهیم تخلف انتظامی به عنوان ضمانت اجرا پیش‌بینی گردد و تحقیقات انجام یافته فاقد اعتبار تلقی گردد. تفهیم حق سکوت باعث می‌شود که متهم معتاد با اطلاع از حقوق شهروندی خود در قالب قانون آیین دادرسی کیفری اعتماد به نفس لازم را به دست آورد و تا رفع عوارض جسمی و روحی، حضور پزشک، مداخله وکیل از اظهاراتی که تحت تأثیر وضعیت نامساعدی که از آن رنج می‌برند، اجتناب نماید.

دادگستری با توجه به ترافی یا تفتیشی بودن نظام‌های دادرسی با تفاوت‌هایی به رسمیت شمرده شده است. به هر میزان که سیستم دادرسی ترافی‌تر باشد این حق بیشتر مورد امان نظر قرار می‌گیرد و میزان بهره‌مندی از حقوق دفاعی در مراحل مختلف دادرسی بیشتر رعایت می‌شود (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

دخالت وکیل در مرحله تحقیقات دارای مشخصه‌هایی به شرح ذیل می‌باشد:

- قانون‌گذار مضاف بر پذیرش لزوم مداخله وکیل در این مرحله، بازپرس و یا سایر قضات تحقیق را مکلف نموده است که حق معاضدت وکیل را به متهم اعلام نمایند.

- در وضعیتی که امکان تعیین و معرفی وکیل برای متهم وجود ندارد، مانند دادگاه امکان استفاده از معاضدت وکلای تسخیری در دادسرا برای متهم در قوانین پیش‌بینی گردد.

- با افزایش اختیارات وکیل مدافع در مرحله دادسرا، بر هر چه ترافی شدن تحقیقات تأکید گردد.

- حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی مانع رفتارهای غیر انسانی و یا حتی ادعاهای نادرست مبنی بر استنطاق تحت شکنجه می‌باشد (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۵۴ و ۱۵۵). آن‌طور که شرح آن در مطالب بالا آمد، بازجویی در حالت خماری خود یکی از مصادیق شکنجه به‌شمار می‌آید و بی‌شک الزامی بودن حضور وکیل در اولین بازجویی‌ها می‌تواند حافظ حقوق متهمین معتاد باشد و از سویی سلامت تحقیقات را ضمانت نماید.

قسمت ب از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان یکی از حقوق متهم چنین عنوان می‌نماید که فرصت و امکانات کافی به منظور تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل خود داشته باشد. در عرصه حقوق داخلی اصل ۳۵ قانون اساسی چنین مقرر می‌نماید «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». در همین ارتباط بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اشعار می‌دارد:

اساسی جمهوری اسلامی پیرامون لزوم سرعت در مسیر دادرسی چنین مقرر می‌نماید: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بر لزوم رعایت اصل تسریع در رسیدگی تأکید می‌نماید «مراجع قضایی باید... از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی می‌شود، جلوگیری کنند». همچنین در ماده ۹۴ این قانون چنین مقرر شده که «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست» (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۳۶).

با اوصاف بالا اگرچه قانون‌گذار در ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس را ملزم به شروع سریع تحقیقات نموده است اما این امر مانع از فراهم نمودن مقدمات دادرسی عادلانه و با کیفیت متهمان معتاد نمی‌تواند باشد. در ماده ۱۹۵ بازپرس موظف است به متهم تفهیم نماید که مواظب اظهارات خود باشد اما تفهیم مواظبت نسبت به اظهارات در حالی که متهم از درد و رنج جسمی و روحی ناشی از خماری در وضعیت کلافه‌کننده‌ای به سر می‌برد حاوی هیچ اثری نمی‌تواند باشد. آن‌گونه که بیان شد افراد معتاد در وضعیت‌های پرخطر سعی می‌نمایند منافع لحظه‌ای را در نظر بگیرند و به عواقب رفتارهای خود تمرکزی ننمایند. بازپرس می‌بایست تفهیم نماید که اقرار و همکاری متهم می‌تواند موجبات تخفیف را فراهم آورد و این امر در مواجهه با افکار خطرپذیر متهم معتاد در واقع ریسک پذیرش اتهامات ناروا را بالا می‌برد و این موضوعی است که به هیچ وجه با اهداف سیستم دادرسی کیفری عادلانه‌سنجی ندارد.

۴-۷- حق بر معاضدت وکیل تسخیری برای متهمان معتاد در تمامی اتهامات

هر شخصی که در وضعیت تحت نظر بودن به سر می‌برد یا اتهامی به وی منتسب گردیده حق دارد از مساعدت وکیل انتخابی خود بهره‌مند شود. حق استفاده از معاضدت وکلای

تعیین تسخیر معاضدت‌های وکلا برای متهمان معتاد که از قضا بسیار آسیب‌پذیر و در بسیاری از موارد ناتوان در ابعاد مالی هستند در مسیر نیل بر اصل تساوی سلاح‌ها بسیار کارا و مناسب خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پیرو پیشرفت علم در زمینه سیاست‌گذاری‌های جنایی در پرتو علومی همچون جرم‌شناسی و کیفرشناسی و همچنین قواعد شکلی رسیدگی، سیاست‌گذاری‌های جنایی افتراقی شکل گرفتند. قواعد ویژه پیش‌بینی شده پیرامون اطفال و نوجوانان و همچنین در پاره‌ای از موارد بانوان را می‌توان به‌عنوان مصادیقی واضح اسم برد. متهمان معتاد از جمله مشتریان همیشگی سیستم‌های عدالت کیفری به حساب می‌آیند که اگرچه به‌لحاظ وضعیت خاص، حالت‌های خطرناکی مرتبط با اعتیاد را با خود حمل می‌کنند اما در مواجهه با پلیس و سیستم دادرسی کیفری بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند. وضعیتی که چنانچه مورد توجه و لحاظ قرار نگیرد در بسیاری از موارد در مسیر احقاق حق و تأمین امنیت عمومی راه را به بیراهه خواهیم رفت و هزینه‌کردهای سیستم عدالت کیفری در نتایج عقیم خواهند ماند. چه‌این‌که هدف از یک دادرسی عدالت محور کشف ظرفیت‌های بزهکارانه در سطح اجتماع، اصلاح بزهکاران قابل اصلاح و ناتوان‌سازی ظرفیت‌های خطرناک تبه‌کاری است. ریسک‌پذیری‌های خطرناک برای خروج از وضعیت‌هایی که منجر به خماری اشخاص معتاد می‌گردد، بنابر آنچه آمد از جمله عواملی است که به‌راحتی می‌تواند سلامت یک دادرسی عادلانه را به خطر بیاندازد. مصرف‌کنندگان مواد مخدر نسبت به عواقب اقرار بر خود کمتر حساس هستند و تمامی تلاش خود را معطوف بر خروج از جلسه استنطاق برای حصول مایحتاج جسمی و روحی نامیمون خود می‌نمایند. از سویی، بازجویی در حالت خماری در وضعیتی که شخص در ابعاد جسمی و روحی تحت فشار غیر قابل تحمی می‌باشد، به‌مثابه اعمال شکنجه برای اخذ اقرار می‌تواند به حساب آید و اتکا به اقرار چنین شخصی در دادرسی‌های کیفری خود فریبی صرفاً برای مختومه نمودن یک پرونده به حساب می‌آید. از این‌رو تدارک تضمینات دادرسی عادلانه مورد نیاز چنین اشخاصی نه‌تنها تضمین

«محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.» (ناجی زواره، ۱۳۹۴: ۵۳). در مرحله تحقیقات مقدماتی، مطابق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت‌مجلس نوشته می‌شود. تبصره ۱- سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.»

از مهمترین حقوق دفاعی در تحقیقات مقدماتی حق بر بهره‌مندی از دانش فنی وکلا در مسیر رعایت اصل تساوی سلاح‌ها است. حضور یک وکیل در کنار متهم معتاد، نه‌تنها موجبات دادرسی عادلانه را از نقطه نظر دانش فنی - حقوقی وکیل فراهم می‌کند، بلکه تضمینی برای رعایت سایر حقوق این‌گونه متهمان که در مطالب بالا مورد اشاره قرار گرفت نیز تلقی می‌گردد. از جمله موارد الزامی بودن مداخله وکیل در دادرسی‌ها جایی است که متهم طفل یا نوجوان باشد که در این صورت قانون‌گذار با در نظر قرار دادن یک دادرسی افتراقی به جهت لزوم حمایت از یک قشر آسیب‌پذیر در ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری چنین می‌آورد: «در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش یا بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرها و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود...» بی‌گمان بر مبنای آنچه در بندهای بالا پیرامون وضعیت جسمی و روحی متهمان معتاد آمد، اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در قبال دادرسی‌های کیفری این قشر از افراد جامعه به منظور نیل به اهداف دادرسی عادلانه گریزناپذیر می‌باشد. با وصف موجود پیش‌بینی قانونی الزامی بودن وکیل تعیینی و در صورت عدم

- آخوندی، محمود (۱۳۸۴). *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- جاوید، محمد جواد و شاهمرادی، عصمت (۱۳۹۶). *حقوق شهروندی و نظام حاکم*. تهران: انتشارات خرسندی.

- جزایری، عباس (۱۳۹۶). *حق اطلاع، عقلانیت و مصلحت*. تهران: انتشارات سامان دانش.

- زراعت، عباس (۱۳۹۲). *حقوق کیفری مواد مخدر*. تهران: انتشارات ققنوس.

- طهماسبی، جواد (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.

- فضائی، مصطفی (۱۳۹۲). *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی*. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- ماهیار، آذر و نوحی، سیما (۱۳۸۷). *دایره المعارف اعتیاد و مواد مخدر*. تهران: انتشارات ارجمند.

- مرادی، قاسم (۱۳۹۸). *علوم جنایی*. تهران: نشر امجد.

- ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۷). *مختصر قانون اساسی آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی*. تهران: انتشارات معارف.

- مهرپور، حسین (۱۳۹۲). *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دادگستر.

- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۴). *آشنایی با آیین دادرسی کیفری دعاوی ناشی از جرم و تحقیقات مقدماتی*. تهران: انتشارات خرسندی.

- نجفی توانا، علی (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات آموزش و سنجش.

- ونکی، احمدرضا (۱۴۰۰). *جلوه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری ایران*. تهران: انتشارات خرسندی.

کننده حقوق دفاعی یک متهم در مسیر نیل به اصل تساوی سلاح‌ها تلقی می‌گردد، بلکه وقت و بودجه عدالت کیفری نیز در فرایند منطقی خود برای نیل بر اهداف عالیه ترسیمی طی طریق خواهد نمود. پیش‌بینی لزوم شروع به تحقیقات با حضور یک وکیل تعیینی و عنداللزوم بهره‌مندی از معاضدت یک وکیل تسخیری، بی‌گمان تضمین کننده سایر تدابیری است که در بالا مورد بررسی مو شکافانه قرار گرفت. با حضور وکیل، لزوم معاینه پزشکی، خروج متهم معتاد از خماری با تجویز داروهای مورد نیاز و سایر تضمینات دادرسی عادلانه به‌درستی رعایت خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: تمام مراحل نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی ورکیانی، فاطمه (۱۳۸۹). *حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون*. تهران: انتشارات جاودانه.

- اکبری، ابوالقاسم و اکبری، مینا (۱۳۹۰). *آسیب شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد و توسعه.

- الهی منش، محمدرضا و رحیمی، محمد مهدی (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.